

# گننه گویلر آغلادی

بخش دوم  
داود بهلولی

صد حیف که این توصیه دست‌های او را بست  
دشمن مانند مور و ملخ راه را بر او بستند  
در آخر شاخه‌های آن سرو را بر خاک انداختند  
او (اباالفضل) رو به خیمه‌ها نمود و درد خود را به برادر  
عنوان کرد  
گفت ای حسین زود بیا که طاه‌ها به دیدارم آمده است  
او برای برپا کردن عزا در قتلگه آمده است  
زهرای پهلوی شکسته به این‌جا آمده است  
و می‌گوید یک بار دیگر برادرت را از جان و دل صدا  
بزن  
تو پیمان خود را عاقبت به خوبی به جای آوردی  
دشمن در این بیابان قدرت ایمانت را دید  
تو جانت را در شاه‌راه عشق فدا کردی  
ای مجاهد! تو بی‌هیچ خواسته‌ای جانت را فدای برادرت  
نمودی

## پی‌نوشت

۱. گریز یک واژه ترکی به معنی وارد شدن از یک موضوع به  
موضوع دیگر است. تلفظ صحیح آن در ترکی «گریز» است.

## منابع:

۱. صراف سخن، مجموعه مقالات بزرگداشت یکصدمین سال وفات حاج رضا  
صراف تبریزی
۲. دیوان لغات‌الترک، تصحیح دکتر حسین محمدزاده صدیق
۳. فرهاد فکری، حدیث عاشورا
۴. ناطقی، کنز‌العبرات.

سوز آهی گور نتیجه تأثیر اندر داشدان گنجر  
کیم حسین تک شیردل غیرتلی قارداشدا گنجر  
بیر به بیر اتندی سفارش شاه عطشان قارداشا  
بو سفارش باغلادی صد حیف او شیرین قوللارین  
کسدی دوشن مکرله مور و ملخ تک یوللارین  
توپراق اوسته سالدیلار آخر او سروین قوللارین  
اوز دوتوب اخیمه دردین اتندی عنوان قارداشا  
عرض اندیب تنز گل حسین دیداریمه طاه‌ها گلیب  
قتلگه‌ده ائیله‌سین بزم عزا برپا گلیب  
اللی پهلولرینده قذی خم زهرا گلیب  
امر اندر سسله حسینی بیر دنتن جان قارداشا  
سن یتیردین عاقبت باشه گوژل پیمانیوی  
گوژدو دوشمنلر بو چۆلده قدرت ایمانیوی  
شاهراه عشقه قوربان اندیسن جانیوی  
بی‌تمنا ای مجاهد! سن ده قوربان قارداشا

## فرهاد فکری

ترجمه:

رسم است که برادر خوب، جانش را فدای برادر می‌کند  
چشم‌هایم در دو جهان فدای برادرم باد

\*

درست است که اگر سیل طغیان کند هر سد محکمی را  
از میان برمی‌دارد  
اما اگر مردم پشت به پشت یکدیگر بدهند دشمن  
نیرومند شکست می‌خورد  
در دنیا فقط داغ برادر است که کمر را می‌شکند  
در این دنیا اگر برادری بمیرد، دیگر درمانی برای  
برادرش وجود ندارد

در این حرفی نیست که اگر سنگی را محکم به سنگی  
دیگر بزنیم، آن سنگ خواهد شکست  
اما ممکن است دوستی دوستی را ترک کند  
اما هیچ برادری در روزهای سختی برادرش را تنها  
نمی‌گذارد  
در روزهای سخن هر لحظه نیاز به برادر داری

...

کسی که عاشق جانان شده باشد از سرش می‌گذرد  
بین که سوز آه چگونه تأثیر می‌کند که حتی از سنگ  
هم می‌گذرد  
چه کسی مثل حسین از برادری شجاع و باغیرت  
می‌گذرد

شاه تشنه‌لب یک به یک به برادرش توصیه نمود

## یک مجلس اصیل عزاداری

حال که تا این‌جا آمده‌ایم بد نیست با سیر یک مجلس  
اصیل عزاداری ترکی آشنا شویم. در یک مجلس  
عزاداری اصیل به دو بعد مهم حادثه عاشورا توجه  
می‌شود یعنی بعد عاطفی و بعد حماسی. مداح، اول با  
یک مثنوی شروع می‌کند که به آن «دوبیت» می‌گویند.  
این دوبیت یا مثنوی می‌تواند شرح یک اتفاق از وقایع  
عاشورا یا مرتبط با آن باشد. از به میدان رفتن امام  
گرفته تا شفا یافتن یک بیمار و... شعر یا یک مقدمه که  
تأیید یک نکته اخلاقی و معرفتی است شروع می‌شود.  
مداح، آرام آرام شعر را می‌خواند. بعد کم‌کم ماجرا را به  
یکی از روضه‌های مورد نظر و مرتبط می‌رساند یعنی  
همان «گریز». به این ترتیب روضه مداح شروع  
می‌شود. از این‌جا به بعد مداح می‌تواند دیگر شعر را  
ادامه ندهد و یا در کنار آن از اشعار کوتاه دیگر هم  
استفاده کند که یکی از آن‌ها همان بایاتی است که به  
صورت اوخشاما خوانده می‌شود. بعد از خوانده شدن  
روضه، شجاعت‌خوانی شروع می‌شود که درباره آن  
صحبت کردیم؛ البته در شهرهای مختلف سبک‌های  
دیگری هم هست. به طور کلی دو سبک اصلی در  
عزاداری ترک‌ها وجود دارد: سبک اردبیل و سبک تبریز.  
شعر زیر سیر کامل یک شعر مرثیه را نشان می‌دهد. به  
بعد عاطفی و حماسی و پیام اصلی شعر نیز توجه شده  
است.

## سسله حسینی

یاخشی قارداش رسم‌دی ائیلر فدا جان قارداشا  
گوژلریم اولسون ایکی دنیاده قوربان قارداشا

\*

دوزدو محکم سدی طغیان ائیله‌سه ستل سیندیرار  
دال دالا وئرسه قوی‌دل دوشمنی ائل سیندیرار  
بیر فقط دونیاده قارداش داغی‌دیر بئل سیندیرار  
قارداش اولسه یوخ فنا دونیاده درمان قارداشا  
سیندیرار سؤز یوخ اگر محکم وورولسا داش داشی  
وار یثری توجیهه گر ترک اتسه یولداس یولداسی  
تک ولی قویماز یامان گونلرده قارداش قارداشی  
احتیاجین وار یامان گونلرده هر آن قارداشا

...

عاشق وارسته جانان اولان باشدان گنجر